

بررسی حکم فقهی حرفه آرایشگری

□ رجبعلی افتخاری *

چکیده

این پژوهش با موضوع بررسی فقهی آرایشگری و کسب در آمد از این طریق با هدف دستیابی به حکم فقهی آن انجام گرفته است. روش تحقیق در این پژوهش، روش تحلیل محتوا با رویکرد استنباطی است. داده‌های پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که از منظر فقهی، حکم فقهی مسأله از جهت اتصاف آن به احکام خمس یکدست نیست. در مواردی مباح و در مواردی هم حرام است. حکم اولی در تزئین و آرایشگری با ملاحظه شرایطی اباحه است و در محیط و فضای خاص مانند مساجد و روابط میان فردی نظیر روابط زناشویی، نه تنها مباح که امری راجح و مستحب مؤکد است. اما تزئین و آراستگی اگر با تدلیس باشد مشمول ادله غش است و حرام می‌باشد در فقه از آن به تدلیس ماشطه یاد شده است. طبیعی است در موردی که اصل عمل مباح است تکسب به آن نیز مباح خواهد بود، اما در جای که اصل عمل حرام تکسب به آن نیز حرام است. در منابع فقهی از خالکوبی، تیز و منظم کردن دندانها، وصل موی کسی به موی خود و زایل کردن موهای زاید از دست و صورت به عنوان عمل ماشطه یاد شده است. از نظر ادله حرمت هر یک از این اعمال ثابت نشده است برخی مکروه و برخی از مصادق تزئین و مباح می‌باشد مگر اینکه در مقام تدلیس باشد که مشمول ادله غش است و حرام می‌باشند. عمل جراحی پلاستیک اگر صرفاً برای زیبایی باشد و یا امر عقلایی مانند علاج بیماری بر آن مترتب باشد و موجب ضرر معتدبه به نفس نباشد، اشکال ندارد؛ اما اگر عمل جراحی به گونه‌ای باشد که موجب اضرار به نفس از قبیل قتل، قطع عضو، تذلیل نفس و اتلاف مال زیاد باشد، اشکال دارد.

کلیدواژه‌ها: آرایشگری، ماشطه، تدلیس، تزئین، حکم فقهی.

مقدمه

مسأله تزئین و آراستگی از مسایلی است که در منابع دینی با ملاحظه شرایطی به آن توجه شده است و در میان جوامع بشری نیز مورد توجه بوده است. در ابتدا این کار توسط خود افراد انجام می‌شده است؛ ولی در مرور زمان و پیدایش مدل و روش‌های مختلف آرایشی، افراد خاص به این کار اقدام می‌کرده‌اند. شواهد تاریخی و احکام فقهی در این خصوص نشان می‌دهد که تزئین و آرایشگری در جوامع مختلف رواج داشته و به عنوان یک حرفه و شغل و وسیله تکسب مطرح بوده است.

از مطالعه منابع فقهی بدست می‌آید که اصل تزئین و آراستگی امری مباح و در مواردی مستحب شرعی است؛ ولی اگر این کار با هدف تدلیس و پوشاندن عیبی باشد، حرام شرعی است. در فقه اسلامی از این مسأله تحت عنوان «تدلیس ماشطه» یاد شده است. مقصود از آن نیکو جلوه دادن و یا پوشاندن عیوب زنی که قصد ازدواج دارد، به منظور ایجاد رغبت در خواستگار می‌باشد. در متون فقهی «تدلیس ماشطه» از افعال محرم شمرده شده است که اکتساب به آن ممنوع و حرام شرعی می‌باشد. از این حکم فقهی استفاده می‌شود که آرایشگری همواره وجود داشته و در مواردی هم با تدلیس همراه بوده است.

در منابع فقهی از خالکوبی، تیز و منظم کردن دندانها، وصل موی کسی به موی خود و زایل کردن موهای زاید از دست و صورت به عنوان عمل ماشطه یاد شده است، این در حالی است که امروزه اعمالی مانند جراحی پلاستیکی در نواحی مختلف صورت به منظور زیبایی انجام می‌شود که با تغییر چهره همراه است. طبیعی است که تغییر چهره ولو با قصد تدلیس نباشد، ولی باعث رغبت می‌شود. سوال این است که این رفتار جز اعمال ماشطه می‌باشد بر فرض شمول، مشمول حکم تدلیس می‌شود یا نه؟

با توجه به توضیحات فوق، مسأله آرایشگری در دو مقام: آرایش و زینت‌های مباح و آرایش و زینت‌های حرام مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

مقام اول: آرایش مجاز

حکم اولی تزئین

حکم کلی و اولی اصل عمل تزئین و آرایش، در صورتی که مستلزم حرام نباشد، مباح است. تزئین که مستلزم حرام است، در جای است که با تدلیس همراه باشد. این نوع تزئین از باب اعانه بر اثم و غش حرام است. این حکم (حرمت تزئین با تدلیس) مورد وفاق می باشد و در منابع فقهی بر آن ادعای اجماع شده است. (ر.ک نجفی، ۱۹۲۱، ج ۲۲، ۱۱۳ص. نرقی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۱۷۱). بنابراین حکم تزئین با تدلیس فی الجمله روشن است. در مقام دوم جزئیات و شرایط آن به تفصیل بیان خواهد شد. لکن تزئین به معنای آراستگی مفهوم عامی است که شامل آراستگی در قیافه و چهره، لباس، تمیزی و پاکی، خضاب، عطر و... می شود. آراستگی در جهات یاد شده از اموری است که در منابع قرآنی و روایی با حفظ حدود و شرایط، مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است و در قرآن کریم از منع زینت های که خدا برای انسان قراد داده است، نکوهش شده است. (اعراف، ۳۲) در برخی روایات عدم نظافت و نامرتب بودن وضع ظاهری مذمت شده است.

بنابراین حکم اولی اصل آرایشگری جواز و تکسب به آن جایز است. در کلمات فقهاء به جواز آرایشگری تصریح شده است. مرحوم خوئی می گوید: **الجهت الثانیة فی تمشیط الماشطه: الظاهر انه لا دلیل علی المنع بقول مطلق، وان ورد النهی عن خصوص وصل الشعر بالشعر، بل یتجلی من الاخبار الكثیره جوازه مطلقا، سواء اشترت فیہ الاجره ام لم تشرط، بل فی روایه قاسم بن محمد صرح بجواز تعیش الماشطه بالتمشیط اذا لم تصل الشعر بالشعر»** (خوئی مصباح الفقاهه، ج ۱ ص ۳۲۳-۳۲۴).

بنابراین از منظر فقهی اصل جواز تمشیط است؛ لکن جواز به نحو مطلق نیست؛ بلکه محدود به حدودی است. این حدود عبارتند از:

۱. آراستگی موجب تغییر و تصرف در خلقت نباشد؛

۲. مستلزم تذبذب نباشد؛ (اعراف، آیه ۳۱)

۳. موجب تهییج و تحریک شهوانی نباشد؛

۴. آراستگی زن برای مرد نامحرم و عکس آن نباشد؛

و پسندیده است و از نظر فقهی مباح و بلکه بالاتر مستحب شرعی می‌باشد. بنابراین آرایش بدون تدلیس و غش اشکالی ندارد برای مثال لباس پوشیدن لباس زیبا و آرایش سر و صورت و یا تزئین حیوانات اهلی برای زیبایی صرف و تزئین میوه‌ها بدون قصد تدلیس خالی از اشکال است. در کلام برخی از فقهاء آمده است: «الظاهر انه لا دلیل علی حرمة التدلیس و الغش من حیث هما تدلیس و غش الا فی بیع او شراء او تزویج، للروایات الخاصه التی سنتعرض لها فی البحث عن حرمة الغش، بل ربما یكونان مطلوبین للعقلاء، کتزئین الدور و الالبسه و الامتعه، لاطهار العظمه و الشوکة و حفظ الکیان و ارائه انها جدیده» (خوبی همان ص ۳۲۲).

باین وجود حکم اولی آرایش روشن است، برای اتقان حکم ادله آن با تفصیل بیشتر بررسی می‌شود:

ادله آرایش مجاز

در خصوص آرایش مباح، دو دسته ادله از آیات و روایات وجود دارد که به ترتیب اشاره می‌شود.

آیات قرآنی

در خصوص زینت‌های مجاز آیات متعددی وجود دارند که برخی به زینت کردن در مکان‌های خاص اشاره دارد، ولی آیه ۳۲ سوره اعراف به مسأله مباح بودن زینت بطور کلی اشاره می‌کند.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِمُ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ «بگو: چه کسی

زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟

این آیه در مقام رد تفکری است که تحریم زینتها و پرهیز از غذاها و روزی‌های حلال را نشانه زهد و پارسایی و مایه قرب به پروردگار می‌دانستند. طبق این آیه تزئین و آرایش مانند غذا از نیازهای اساسی انسان است زیرا زینت در کنار غذا آورده شده است. اسلام هماهنگ با

فطرت به نیازهای فطری انسان جواب مثبت داده است لذا آنچه را مفید است حلال و آنچه را مضر است، حرام می‌داند، بنابراین زینت در حد اعتدال امری مباح است. طبق آیه اصل جواز بهره‌گیری از زینت‌ها و طیبیات مباح است، مگر اینکه دلیل خاص بر حرمت آن باشد. (ر.ک قرائتی، تفسیر نور، ج ۸، ص ۵۶)

روایات

۱- ما رواه سعد الاسکافی قال سئل ابو جعفر μ عن القرامل التي تصنعها النساء في رووسهن يصلنه بشعورهن فقال لا باس على المراه بما تزینت به لزوجهها قال: فقلت بلغنا ان رسول الله ρ لعن الواصله و الموصوله فقال μ ليس هنالك، انما لعن رسول الله ρ الواصله التي تزني في شبابها فلما كبرت قادت النساء الى الرجال، فتلك الواصله والموصوله» (وسائل الشيعه، ج ۱۲ ص ۹۴ باب ۱۹).

۲- حضر علی μ در برخورد با خوارج متحجر، هنگام اعزام نماینده خود ابن عباس به سوی آنان، به او دستور می‌دهد بهترین لباس‌ها را بپوشد و خود را معطر و خوشبو ساخته و با اسپ زیبا نزد آنها برود. (تفسیر منهج الصادقین).

این دو روایت بر اصل جواز آرایش و زینت دلالت دارند. طبق دو روایت تزئین و آرایش با حفظ شرایط یاد شده برای مرد وزن جایز است.

استحباب آرایش در اماکن و افراد خاص

در آیات و روایات آراستگی در برخی اماکن و روابط میان فردی مانند روابط زناشویی به لحاظ اهمیت آن مورد تأکید قرار گرفته است که از مجموع آن استحباب آراستگی در این زمینه‌ها استفاده می‌شود.

۱- آراستگی در مسجد

مسجد از مکان‌های است که با هدف خاص ساخته می‌شود و در نزد مسلمان از قداست برخوردار است. فلسفه وجودی آن عبادت و پرستش خداوند در آن و محل تجمع مؤمنین برای ادای فریضه نماز و دیگر مناسک دینی می‌باشد. در آیات و روایات برای ورود در آن به آدابی

اشاره شده است که رعایت آن تأثیر تربیتی زیادی می‌تواند داشته باشد. از آدابی که به آن تأکید شده است، ورود در مسجد همراه با زینت و آراستگی است. در آیه ۳۱ سوره اعراف به این مسأله تصریح گردیده است:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف، آیه ۳۱).

در این آیه به عنوان یک قانون کلی به همه افراد بشر در تمام اعصار دستور می‌دهد که موقع رفتن در مسجد زینت‌های خود را با خود ببرند. در واقع محتوای آیه اندرزی است برای کسانی که هنگام نماز و یا رفتن در مساجد لباس‌های کثیف، مندرس و یا لباس‌های مخصوص منزل را بر تن می‌کنند و در مراسم عبادت خدا به همان هیئت شرکت می‌کنند. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۸۲-۱۸۳)

در ذیل آیه شریفه توجه به چند نکته اساسی - که برخی ناظر به حکم فقهی و برخی هم ناظر به جنبه‌های تربیتی آن است - ضروری به نظر می‌رسد.

۱- اولین نکته این است که آیه در ساختار امر «خذوا» است که ظاهراً دال بر وجوب زینت است؛ لکن با توجه به قرائن خارجی حمل بر استحباب می‌شود. بنابراین زینت در مسجد مستحب شرعی است.

۲- واژه زینت مفهوم عام است می‌تواند اشاره به زینت‌های جسمی شامل پوشیدن لباس‌های تمییز و پاک، شانه زدن موها بکاربردن عطر... باشد، وهم می‌تواند اشاره به زینت‌های معنوی از قبیل صفات انسانی، ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص باشد. (مکارم شیرازی، همان).

۳- از منظر قرآن اصل بر حفظ اعتدال در زینت‌ها است، بنابراین اسراف در زینت و تجمل‌گرایی به هر نحو آن مذموم و حرام است. امام صادق فرموده است: اموال، ودیعه و امانت الهی در دست انسان است و مصرف آن باید دور از اسراف باشد. (تفسیر صافی، ذیل آیه ۳۱ اعراف)

۴- مسجد پایگاه مسلمین است باید آراسته و با جاذبه باشد. (قراءتی، تفسیر نور، ج ۸،

۵- زینت، اگرچه در نماز فردی هم ارزش دارد، اما در اجتماع و مکان‌های خاص مانند مسجد، حساب ویژه ای دارد.

۶- از آیه می‌توان یک اصل تربیتی را بدست آورد و آن اینکه رفتن در مسجد با حالت آراسته، ضمن احترام گذاشتن به بندگان خدا و عبادت خدا، موجب ایجاد جاذبه و ترغیب عملی دیگران به رفتن در آن است.

مصادیق زینت در مسجد

آیه شریفه به اصل زینت و آراستگی در نماز و حضور در مسجد تأکید دارد و به چگونگی و همچنین مصادیق آن اشاره نکرده است، اما در برخی روایات به مصادیق آن اشاره شده است. در تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن مجموعه روایاتی در ذیل همین آیه آورده است که در آنها امام جماعت عادل، آراستگی ظاهر، عطر زدن و لباس زیبا پوشیدن به هنگام نماز، بلند کردن دستان در هنگام رکوع و سجود در نماز، شرکت در نماز عید و نماز جمعه از جمله مصادیق زینت شمرده شده‌اند. (البرهان فی تفسیر القرآن ذیل آیه ۳۱ اعراف).

۲- تزیین زن برای شوهر

از اموری که در منابع روایی و فقهی مورد تأکید قرار گرفته است، تزیین زن برای شوهر و عکس آن است. یعنی مرد نیز وظیفه دارد که خودش را برای زن تزیین نماید، زیرا همانطوری که مرد رغبت‌های دارد، زن نیز رغبت‌های دارد که ضرورت دارد بر آورده شود. البته در مورد زن تأکید بیشتر شده است. در منابع فقهی آرایش بدون تدلیس و برای شوهر زن مجاز شمرده شده است. مرحوم شهید ثانی می‌گوید: «ولو انتفی التدلیس - کما لو کانت مزوجه - فلا تحرم» (شهید ثانی همان) یعنی اگر تدلیس در کار نباشد، مانند اینکه زن، شوهر دار باشد این عمل (آرایش) حرام نیست.

بنابراین از وظایف مهم زن نظافت، نظم، آراستن خانه، آرایش و آماده کردن خود برای شوهر است. رعایت این امر باعث ایجاد روابط عاشقانه و صمیمانه و جلب خاطر و رضایت شوهر می‌گردد. چه بسا زن با این کار نقش مهمی در حفظ عفت شوهر خود و سلامت جامعه ایفا

می‌کند. از سوی دیگر، آراستگی زن از طریق پوشیدن لباس زیبا، نظافت و آرایش اندام موجبات علاقه و محبت شوهر را فراهم می‌سازد و موجب می‌شود که شوهر چشم از بیگانگان بپوشد و فقط به او عشق بورد. در روایات به این مسأله به عنوان یک اصل در روابط سالم زناشویی تأکید شده است.

پیامبر اسلام (ﷺ) می‌فرماید: «بر زن لازم است؛ که خود را با خوشبوترین عطرها خوشبو نماید و به بهترین وجه آرایش کند و بهترین لباسهای خود را بپوشد و بامدادان و شامگاهان خود را برای شوهر آماده کند.

«وَعَلَيْهَا أَنْ تَتَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَ تَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَ تَزِينَنَّ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَ تَعْرِضَنَّ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً». (وسائل الشیعه، ۱۴، ص ۲۱۱).

دلالت روایت بر موضوع روشن است، لکن سخن در این است که آیا دلالت آن به نحو الزام است یا استحباب؟

ظاهر این است که جمله خبریه در مقام انشا است دال بر وجوب و الزام است، ولی با توجه به لحن سایر روایات و قراین موجود روایت حمل بر رجحان می‌شود. بنابراین زینت زن برای شوهر مسح شرعی خواهد بود. البته اگر ترک زینت موجب شود که مرد به گناه بیفتد بعید نیست که بگوییم زینت واجب است.

روایت ذم ترک آرایش زن

در یک روایت ترک آرایش زن برای شوهر به شدت مذمت شده است.

فقد روی أن رسول الله (ﷺ) لعن السلتاء من النساء والمرهء فالسلتاء التي لا تخضب، و المرهء التي لا تكتحل، و لعن الممسوفة و المفصلة آرایش زن از حقوق شوهر

در برخی از روایات آرایش و زینت برای شوهر، از حقوق اولیه شوهر شمرده است.

«عن ابی عبد الله (ع) قال: جاءت امرأة الى رسول الله (ﷺ) فقالت: يا رسول الله ما حق الزوج على المرأة؟ فقال أكثر من ذلك، قالت: فخبرنی عن شیء منه، قال: ليس لها أن

تصوم الا باذنه، یعنی تطوعاً و لا تخرج من بیتها بغیر اذنه، و علیها أن تتطیب بأطیب طیبها و تلبس أحسن ثیابها، و تزین بأحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوة و عشية و أكثر من ذلك حقوقه علیها».

امام صادق (ع) فرموده اند: زنی آمد خدمت رسول خدا و از حق زن و شوهر سوال کرد؟

وی گفت: ای رسول خدا! بفرمایید حق شوهر بر زن چیست؟

رسول خدا (ص) فرمودند: حقوق مرد بر زن بسیار است، بیش از آن است که تو تصور کنی در یک پاسخ بگنجد .

زن اصرار کرد و گفت: ای رسول خدا! لا اقل بخشی از آنها را به من بگوئید . حضرت فرمود: از جمله حقوق شوهر بر همسرش این است که:

- بدون اجازه شوهر روزه نگیرد (روزه مستحبی).

- بدون اجازه شوهر از خانه بیرون نرود.

- با بهترین عطرها خود را خوشبو و معطر سازد.

- با بهترین و زیباترین زینت‌ها خود را برای شوهر بیاراید.

- هر صبح و ظهر و شب خود را به شوهر عرضه کند و به نحوی آمادگی خود را برای همبستری اعلام نماید.

حضرت دوباره فرمود: حقوق مرد بر زن بیش از اینها است. (که نمونه ای از آن حقوق کلی را برای تو گفتیم).

چنانچه اشاره شد، خوشبویی و آراستگی اختصاص به زن ندارد، بلکه وظیفه مشترک زن و مرد می باشد. بنابراین همانطور که زن وظیفه دارد خودش را برای شوهر آماده کند، مرد نیز وظیفه دارد. در روایتی از امام باقر (ع) اینگونه نقل شده است:

«النِّسَاءُ یُحِبُّنَّ أَنْ یرینَ الرَّجُلَ فی مِثْلِ ما یحبُّ الرَّجُلُ أَنْ یری فیهِ النِّسَاءَ مِنَ الزَّیْنَةِ».

(مکارم الاخلاق، ص ۸۰)

«همانگونه که مردان دوست دارند زینت و آرایش را در زنان نشان ببینند، زنان نیز دوست

دارند زینت و آرایش را در مردانشان ببینند»

از این روایت الزام استفاده نمی‌شود، ولی از آنجای که از یک واقعیت نهفته در وجود زن (گرایش او به آرایش و آراستگی شوهر) حکایت دارد، می‌توان گفت که زینت مرد برای زن رجحان دارد. البته اگر ترک آن موجب بی‌عفتی زن گردد بعید نیست که آرایش مرد واجب باشد. در روایتی به این مسأله تصریح گردیده است:

«و لَقَدْ تَرَكَ النَّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرْكِ اَزْوَاجِهِنَّ التَّهْيِئَةِ» (وسایل، ج ۱۴، ص ۳۸۱)

«رعایت نکردن این وظیفه از طرف شوهر باعث ضربه زدن به عفت همسرش می‌شود»

نکات تکمیلی

- ۱- جواز آرایش زن مختص شوهر است و همینطور آرایش مرد.
- ۲- زن و شوهر وظیفه دارند به بهترین نحو آرایش نمایند و از مرغوب‌ترین مواد آرایشی استفاده کنند، ولی در نحوه استفاده جانب اعتدال را حفظ و از اسراف و زیاده روی خودداری نمایند.
- ۳- قبلاً اشاره شد در صورتی مجاز است که موجب تحریک شهوت نگردد، اما این شرط در روابط میان فردی زن و شوهر منتفی است، بنابراین اگر آرایش دو طرف موجب شهوت گردد اشکال ندارد.

وصل موی اجنبی در آرایش مجاز

۴- آخرین نکته در خصوص آرایش زن برای شوهر، این است که آیا برای او وصل موی زن دیگر به موی خودش جایز است؟ این سوال از اینجا ناشی می‌شود که اگر زن در آرایش خود از موی زن بیگانه استفاده کند این امر مستلزم نگاه مرد به زن محرم است و نیز مستلزم لمس می‌باشد. در پاسخ به این سوال باید گفت در این خصوص روایات متعدد است ظاهر بسیاری از روایات نهی است برخی از روایات دلالت بر جواز دارند و برخی دال بر کراهت هستند. در ذیل هر سه طایف بررسی می‌شوند.

روایات دال بر جواز وصل موی

۱- ما رواه عمار الساباطی قال قلت لابی عبد الله ع ان الناس یرون عن رسول الله ﷺ

لعن الواصله والموصوله قال: فقال: نعم قلت التي تشمط و تجعل في الشعر القرامل، قال: فقال: لي ليس بهذا بأس قلت: فما الواصله والموصوله قال الفاجر و القواده. (وسایل: ۱۴/۱۳۶ باب ۱۰۱).

۲- ما رواه ابی بصیر، قال: سألته عن قصه النواصی تريد المراه الزينه لزوجها و عن الحف و القرامل و الصوف و ما اشبه ذلك، قال لا بأس بذلك كله» (همان).

۳- ما رواه سعد الاسكافي قال سئل ابو جعفر ع عن القرامل التي تصنعها النساء في رووسهن يصلنه بشعورهن فقال لا بأس على المراه بما تزینت به لزوجها قال: فقلت بلغنا ان رسول الله ﷺ لعن الواصله و الموصوله فقال لا ليس هنالك، انما لعن رسول الله ﷺ الواصله التي تزني في شبابها فلما كبرت قادت النساء الى الرجال، فتلك الواصله والموصوله» (وسایل الشيعه، ج ۱۲ ص ۹۴ باب ۱۹).

ظاهر این روایت مطلق است، ولی ظاهر آن جواز وصل موی خودش به موی دیگری است، زیرا بعید است که سوال راوی از پشم و موی بز باشد.

روایات دال بر نهی از وصل موی

۱- روایت ابن ابی عمیر عن رجل عن ابی عبدالله ع قال دخلت ماشطه علی رسول الله ﷺ فقال لها هل تركت عملك او اقامت علیه فقالت يا رسول الله انا اعمله الا ان تنهاني عنه فانتهی عنه فقال: افعلی فاذا امشطت فلا تجلی الوجه بالخرق فانه یذهب بماء والوجه ولا تتصلی الشعور بالشعر» (وسایل الشيعه، ج ۱۲، ص ۴۲)

۲- ما رواه علی بن غراب عن جعفر بن محمد عن آبائه لعن رسول الله ﷺ الناصمه والمنتصمه والواشره والمؤتشره والواصله والمستوصله والواشمه والمستوشمه» (همان، ص ۹۵، ح ۷).

۳- وما رواه علی قال سألته عن امره مسلمه تمشط العرائس ليس لها معيشه غير ذلك وقد دخلها ضيق قال لا بأس و لكن لا تصل الشعر بالشعر» (همان، ص ۹۴، ح ۴)

در هر سه روایت از وصل موی نهی شده است که ظهر در حرمت است. نظر به وصل شعر

نیز ظاهر روایت اطلاق دارد و شامل موردی که زن در آرایش خود برای شوهر از موی زن نامحرم استفاده می‌کند، می‌شود.

روایات دال بر کراهت وصل موی

۱- ما رواه عبدالله بن الحسن قال سألته عن القرامل قال: وما القرامل قلت: صوف تجعله النساء في رؤسهن قال: اذا كان صوفا فلا بأس و ان كان شعرا فلا خير فيه من الواصله والموصوله». (همان، ح ۵).

۲- وما رواه سليمان بن خالد قال قلت له المرأة تجعل في رأسها القرامل قال يصلح له الصوف و ماكان من شعر المرأة نفسها و كره ان يوصل شعر المرأة من شعر بشعر غيرها فان وصلت شعرها بصوف او شعر نفسها فلا بأس به». (همان، ص ۱۳۶)

در روایت اول «فلا خیر» دارد که ظاهر آن نهی است ولی دال بر حرمت ندارد با کراهت سازگاری بیشتر دارد تا حرمت. روایت دوم در کراهت صراحت دارد.

نتیجه

روایات در هر سه طایفه متضافره اند، اکثریت روایات در هر طایفه از نظر سند ضعیف است. طریق جمع بین روایات این است که حمل بر کراهت نماییم و مجال برای حرمت نیست مگر اینکه نهی در روایات منهی را حمل بر تدلیس کنیم.

اشکال: موی اجنبی مستلزم نظر و لمس است و این جایز نیست.

جواب: حرمت نظر و لمس در جای است که جزء از بدن باشد؛ اما وقتی جدا شد، موضوع تبدیل پیدا می‌کند و این امر روشن است بنابراین لمس و نظر حرام نیست. از این رو است که جای برای استصحاب هم باقی نیست.

بنابراین از جمع بین روایات به این نتیجه می‌رسیم که وصل کردن موی زن دیگر برای زنی که برای شوهرش آرایش می‌کند کراهت دارد.

ادامه دارد.

مقام دوم بحث (تزئین غیر مجاز) را در شماره بعدی مجله گفتمان فقه تربیتی دنبال نمایید.

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت لبنان: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ق
ازهری، محمد، تهذیب اللغه، به کوشش احمد بردویی، لدارالمصریه، {بی تا}
انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۲، قم، دارالحکمه، ۱۳۶۷۳
_____ کتاب المکاسب، ج ۱، تهران، کتابفروشی مصطفوی ۱۳۷۴.
- ایروانی غروی، میرزا علی، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۱، تحقیق باقر الفخار الاصفهانی،
انتشارات دار ذوی القربی ۱۴۲۱ق.
- تبریزی، جواد، ارشاد الطالب فی المکاسب محرمه، قم، مطبعه مهر، ۱۳۹۹ هق
حر عاملی، وسائل الیشعه، ج ۱۲، ۱۴، ۱۷، قم مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۲ هق.
خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دارالعلم چاپ اول. ۱۳۷۹.
شهید ثانی، شرح لمعه، ترجمه علی شیروانی، و محمد مسعود عباسی، ج ۵، قم انتشارات موسسه
دارالعلم، ۱۳۸۴.
- صدوق، محمد، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم انتشارات اسلامی ۱۳۶۱.
طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان؛ ج ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱
طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۷.
طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه کتاب المکاسب، ج ۱، بیروت، دارالمصطفی لاحیاء
التراث، ۱۴۲۳ هه ق.
- فخار طوسی، جواد، در محضر شیخ انصاری، قم، دارالحکمه، ۱۳۷۹.
فیض کاشانی، محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، تصحیح حسین الاعلمی، بیروت دارالمرتضی، بی تا
قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن ۱۳۷۹.
مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
_____ تفسیر نمونه، ج ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۳.
_____ انوار الفقاهه، کتاب التجاره، مکاسب محرمه، قم انتشارات مدرسه امیر المؤمنین،

موسوی خویی، ابوالقاسم محاضرات فی الفقه الجعفری، به قلم سید علی حسینی شاهرودی،
قم، مؤسسه دائره المعارف اسلامی، ۱۳۸۷.

_____، مصباح الاصول، ج ۲، تألیف سید محمد سرور واعظ، قم، مکتب الداوری، ۱۴۱۷ق.

_____، مصباح الفقاهه، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲هـ.ق.

_____، منهاج الصالحین، ج ۲، مکتب الداوری، ۱۴۱۲ق.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.

نراقی، محمد مهدی، مستند الشیعہ فی احکام الشیعہ، ج ۱۴، مشهد، مؤسسه آل البيت
لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.

www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=295609